نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۲۰۹

سخن سردبیر

نقش سرنوشت‌ساز آموزش و پرورش در تحقق سبک زندگی سالم با الگوی اسلامی ایرانی

از دیدگاه مقام معظم رهبری، سبک زندگی در حقیقت همان «عقل معاش» است (دیدار جوانان، ۱۳۹۱/۷/۲۳) که در روایات از آن سخن رفته است. این موضوع در حقیقت؛ «نرم‌افزار تمدن اسلامی» است. زندگی خوب، زندگی همراه با آرامش است که انسان در پرتو آن علاوه بر فعالیت، شاکر و ذاکر است و از نگرانی‌هایی که مولود تمدن جدید است آسیب نخواهد دید. امام خمینی(ره) فرموده‌اند: «به همه مسئولان و دست اندرکاران سفارش می‌کنم که به هرشکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی، اعتقادی، علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگهدارید ...».

علامه طباطبایی بر همسویی مفهوم دین با روش زندگی و وظایف انسان تأکید دارد، تطبیق سبک زندگی در فرهنگ اسلامی در موضوع وظایف و مسئولیت‌های زندگی تجلی می‌یابد: «هیچ انسانی بدون عمل، و درنتیجه، بدون سنت حسنه و سیئه یافت نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۷)».

عالی‌ترین مضمون در توصیف «زندگی سالم براساس الگوی اسلامی- ایرانی» واژه زیبای قرآنی «حیات طیبه» است. این مضمون به معنی زندگی در راه خدا و رسیدن به هدف‌های عالی: وصول به حق، رسیدن به قرب باری‌تعالی و تخلق به اخلاق الهی است. در این شیوه زندگی آسایش و رفاه مادّی همراه با تکامل، پیشرفت و عروج معنوی، تحقق می‌پذیرد.

در الگوی اسلامی ایرانی، سبک زندگی سالم، مجموعه معارفی است که همه مراحل زندگی و همه ساحت‌های زندگی و عموم روابط انسانی (با خدا، خود، انسان‌ها، دنیا و دستاوردهای بشری،) را دربرمی‌گیرد. همسرگزینی، پیش‌زادی، دوران جنینی، لحظه تولد، دوره‌های نوزادی و شیرخواری، از حساس‌ترین مراحل آن می‌باشند. در این الگو، تکامل سال‌های اولیه زندگی، از انعقاد نطفه تا شروع سال هشتم عمر، از دقایق و ظرایف و تعالیم حیات‌بخشی برخوردار است که بر سایر ادوار عمر، سایه خواهد افکند. از مؤلفه‌های مهم آن ورود اطفال به نهاد عظیم تعلیم و تربیت، یعنی آموزش و پرورش است. در تعیین و تدبیر مقدرات سبک زندگی، بعد از خانواده، هیچ نهادی مهم‌تر و سرنوشت‌سازتر از نهاد آموزش و پرورش نیست. در مجموعه تعالیم و تدابیر و راهبردهای زندگی سالم با الگوی اسلامی ایرانی، تأکید بر این نهاد مهم و تقویت همه ارکان آن، از مهد کودک و پیش‌دبستانی تا سایر دوره‌ها و مراتب و فرصت‌های پرورشی و آموزشی، از امور واجب و تأخیرناپذیری است، که غفلت‌های آن جبران ناپذیر خواهد بود.

شهید رجایی شکوفایی انقلاب را تنها از طریق نشر فرهنگ اسلامی و آن‌را فقط از طریق سامان یافتن آموزش و پرورش ممکن می‌دانست. وی محیط آموزش و پرورش را محل عبادت و مسجد دانسته، آنجا را شایستهٔ کسانی می‌دید که اهلیت این کار را داشته باشند. وی رسالت «امور تربیتی» در مدارس را، پرورش جنبه‌های اصیل انسانی، رسیدگی به مشکلات دانش‌آموزان، شناخت استعدادها، تقویت مبانی اعتقادی و آشنا کردن هرچه بیشتر دانش‌آموزان با فرهنگ و معارف اسلامی می‌دانست (گنجینه معارف: زندگینامه معلمان شهید. https://hawzah.net). شهید باهنر با تأمل فراوان بر محتوای آموزش، فرموده است: «کتاب‌های درسی ما باید به‌گونه‌ای تبیین شود که هر صفحه و هر جمله آن برای دانش‌آموزان عزیز ما لذت‌بخش و پر جاذبه باشد، و از طرفی به‌گونه‌ای بایستی این تعهد در جوان و نوجوان ما به‌وجود آید که احساس کند این کتابی را که می‌خواند و در این کارگاه که کار می‌کند، مطالب را که می‌آموزد در خدمت جامعه و در خدمت اسلام و در خدمت انقلاب خواهد بود (باهنر، محمدجواد (۱۳۷۸). فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی)».

شهید بهشتی بر نقش بی بدیل معلم و مربی در تعلیم و تربیت و نیز سیره عملی و رفتاری آنان تأکید فراوان کرده است: «... باید با صراحت عرض کنم که یکی از آفت‌های زندگی اجتماعی ما رواج دعوت زبانی و به‌تازگی قلمی و کساد بازار دعوت عملی است...».

در سبک زندگی سالم براساس الگوی اسلامی- ایرانی، تمام اعمال و رفتار انسان برای کسب قرب الهی انجام می‌شود؛ چنین فردی خداوند را ناظر بر اعمال و رفتار می‌داند. در این شیوهٔ زندگی، سلامت مهمترین امانت الهی است و برای تأمین، نگهداشت و ارتقای آن در سطوح افراد، خانواده‌ها و جامعه، تلاش مستمر انجام و رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت برگزیده و از رفتارهای آسیب زننده به سلامت خود و سایر مخلوقات خداوند اجتناب می‌شود. این شیوه در حوزه‌های زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، کسب و پیشه و فکر و اندیشه از ضروری‌ترین ابعاد رسالت نظام رسمی آموزش عمومی کشور (آموزش و پرورش) است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-22]